

نشریه

زن آزاد

شماره ششم - ۱۰ در ۱۳۹۳

۶۵

۳۱ دسامبر ۲۰۱۴

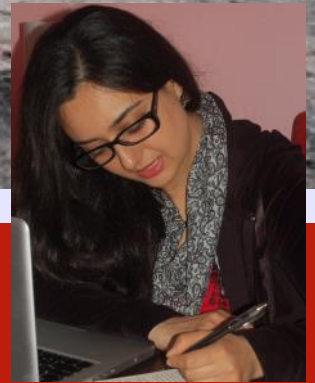
جنبش برابر رهایی زن

آرزوی من آزادی زنان ایران

و تساوی حقوق آن‌ها با مردان است...

فروز فرخ زاد





روزها و زنان

لیلا یوسفی

آمران به معروف و نهی از منکر زنان را تهدید می‌کند و به جسم و روح آن‌ها آسیب می‌رساند، زنان ایرانی با سرسختی شگفت‌آوری به مبارزه برای حق انتخاب پوشش خود ادامه می‌دهند. تبلیغات متعددی از جمله بنرهایی درزمینه‌ی حجاب و غیره منتشر شد که به دلیل مشمزز و منفور بودن این تبلیغات، تنها دست‌مایه‌ی طنز و تمسخر در بین زنان و مردان شد. ناله‌ها و نگرانی‌های آشکار حکومت به رواج ازدواج سفید در ایران و فعالیت‌های زنان در فضای مجازی علیه حجاب و علیه مذهب اجباری هم از دیگر خبرها در سالی که گذشت بود. از موضوعات بسیار نگران‌کننده، مسئله‌ی افزایش ایدز در میان زنان است که با وجود هشدارهای متعدد پزشکان و فعالین هنوز قدمی در این رابطه گذاشته نشده است. در ورزش و موسیقی هم دخالت‌ها و ممنوعیت‌های فراوانی صورت گرفت. از جمله نبود ساپورت مالی برای ورزشکاران زن و حذف دوباره‌ی زنان از عرصه‌ی موسیقی و لغو مجوز کنسرت‌ها.

و اما... همه‌ی این اتفاقات در حالی رخ داد که کشورهای هم‌جوار هم دچار دغدغه‌ها و فجایع فراوان بودند، از جمله فاجعه‌ی به وجود آمدن داعش و جنایات هولناک آن‌ها در قبال مردم و هدف قرار دادن زنان برای آزار و

سال پر دغدغه‌ای نه فقط برای زنان ایران، بلکه بر تمام زنان خاورمیانه گذشت.

در ایران علاوه بر بازداشت‌های بیشتر و اعدام‌ها و چاقوکشی به روی زنان، فاجعه‌ی اسیدپاشی هم به صورت متوالی، اولین بار در شهر اصفهان اتفاق افتاد و اکنون به شهرهای دیگر هم کشیده شده است. اعتراضاتی در این زمینه صورت گرفت و همه‌ی مردم خواهان دخالت و پاسخ‌گویی مسئولین و دولت نسبت به این واقعه شدند. آن‌ها که در آغاز از جواب‌گویی سرباز می‌زدند، تحت فشار این اعتراضات مجبور توضیحاتی اما بسیار ضدونقیض شدند. مسئله‌ی محدود کردن مشاغل برای زنان و خانه‌نشین کردن آن‌ها با نشان افتخار مادر بودن و همسر بودن بیشتر مطرح شد. موضوع تفکیک جنسیتی از ادارات دولتی گرفته تا سالن کنسرت و بستن کافه‌ها در شهرهای بزرگ به بهانه‌ی رعایت نشدن حجاب هم از اتفاقات هرچند تکراری امسال بود. همچنان بعد از گذشت سال‌ها، زنان برای حق پوشش اختیاری خود تلاش می‌کنند و حجاب هرگز به معنای واقعی در ایران به عنوان یک قانون موردقبول نیست. درحالی‌که حکومت انواع پوشش زمستانی و تابستانی را معرفی می‌کند و با ریختن اوباش به خیابان‌ها به نام



درست کردن کمپینی به نام (پا تو بکش کنار، جای مرا اشغال نکن!) و اعتراضات به قتل‌های ناموسی در شهرهای مختلف و فعالیت‌های فراوانی از این قبیل در پیش گرفتند. تصویب قوانینی برای بهبود وضعیت زنان به نام کانتون جزیره، خبر نسبتاً امیدوارکننده‌ای برای زنان آن منطقه بود. زنان افغان هم بعد از گذراندن سال‌های بسیار سخت و باوجود سنگسار و قتل و زندگی فقط تحت تسلط مردان، امسال بیشتر و بیشتر به فعالیت‌های هنری ازجمله خوانندگی و نقاشی و درزمینه‌ی ورزش مثل دوچرخه‌سواری پرداختند و عکس‌های زیادی را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شد.

مسلماً تعداد زیادی خبر ریزودرشت دیگر هم برای مرور وجود دارد؛ اما همین‌قدر هم نشان‌دهنده‌ی فعالیت و مبارزه‌ی زنان برای داشتن یک زندگی آزاد و انسانی و برابر است. اینکه زنان باوجود قرار گرفتن در بدترین شرایط هم کوتاه نیامدند و نمی‌آیند. اعدام فعال حقوق زن در عراق، محکومیت زنان در عربستان، بازداشت فعالان زن ایران و اعتراضات برهنه در کشورهای اسلامی و حمایت آن از جانب زنان در همه‌ی جای دنیا، سخن از شجاعت و خودگذشتگی و سرخم نکردن در مقابل کسانی است که زنان را برده و جنس دوم می‌خواهند. در سال جدید هم این مبارزه بی‌وقفه و مستحکم‌تر از همیشه تا رهایی و اجرای حقوق زن و مرد به‌صورت برابر ادامه خواهد داشت.*

اذیت جنسی، بردگی و تحقیر آن‌ها به نام اسلام و مذهب که موجب آوارگی و اسیر شدن هزاران زن و کودک و کشته شدن مردان به طریقه‌ی گردن زدن و غیره شد.

در این میان زنان آزاده و مبارز کوبانی و تمامی زنانی که از مناطق مختلف من جمله ترکیه، سوریه و... به‌صاف مبارزه‌ی مسلحانه آن‌ها پیوستند، سبب عقب‌نشینی و تضعیف حملات داعشیان شدند. تعدادی از دختران کم سن و سال و زنان توانستند از دست آن‌ها فرار کنند و یا به طریقی نجات یابند. ولی متأسفانه تعدادی هم‌دست به خودکشی زدند و یا به دلیل سرباززدن از نکاح با داعشیان کشته شدند. در عربستان هم زنان به دلیل مبارزه با محدودیت و ممنوعیت‌های دولت حاکم همچنان دادگاهی و زندانی می‌شوند. زنان عرب هم مانند زنان ایران و ترکیه در فضای مجازی فضا فعالیت دارند و از آن بهره می‌برند. در ترکیه هم زنان سال جنجالی را گذراندند. حزب حاکم بر ترکیه این روزها بر شدت محدود کردن زنان در زندگی شخصی و اجتماعی آن‌ها می‌افزاید و تلاش‌هایی منفی برای خانه‌نشین کردن آن‌ها می‌کند. ابراز عقیده‌ای مثل برابری زن و مرد کار صحیحی نیست و باعث خودکشی می‌شود. ایراد گرفتن به قهقهه‌ی زنان در انظار عمومی و سخنان ضد زن رییس‌جمهور در روز خشونت علیه زنان، با عکس‌العمل‌ها و واکنش‌های تند زنان و برگزاری اعتراضاتی روبه‌رو شد. افزایش قتل‌های ناموسی و ناامن بودن و حمایت نشدن زنان به‌هنگام خشونت ازجمله مشکلاتی است که زنان ترکیه با آن مواجه هستند. آن‌ها راه مبارزه را با



حرف ها و نامه ها

زیبایی داشت. گفت بفرما یک نان بردار. عطر نان مست کننده بود...
 مریم خاطرخواهی داشت. بالاخره جفت و جور کردند و آمدند خواستگاری،
 مادرش او را نپسندید. خاطرخواه حرف مادرش را پذیرفت و مریم را ترک
 کرد. حالا قبیله عصبانی بود. اسم دخترشان بدنام شده بود. این بار کسی پا
 پیش گذاشت و حق نه گفتن هم نداشت. اهل شهر دیگری بود. عروسی
 طولی گرفتند و تمام آرزوها دود شد و به هوا رفت. یک روز رفتم دیدن
 مادرش. نحیف تر و کمی قوزی. نگاهش به نگاهم خورد و شاید از دل تنگی
 هر دو چشمانمان خیس شد. پرسیدم: مریم کی می آید دیدن شما؟ گفت:
 رسم ما این است که تا دو سال عروس حق ندارد برود دیدن خانواده اش و
 بعد از آن هم اگر عروس خوبی باشد و همه ازش راضی باشد باید خانواده ای
 داماد اجازه بگیرد. نشستیم کنار تنور. مریم شاید پزشک خوبی می شد. شایدم
 هنرمند خوبی. اصلاً شاید مادر خوبی؛ اما می دانم که شاید حق مادری کردن
 هم چندان نداشته باشد.

مریم، مریمها در خفقان مردسالاری و مذهب و سنتها انگار تنها حق
 زیستن داشتند و نه چگونه زیستن! آن هم با اجازه ی دیگران.*

مریم، نه تا برادر داشت. خودش اولی بود و نه تا برادر ریزودرشت بودند.
 مریم از پانزده سالگی سرکار می رفت. شاید هم کوچک تر؛ اما درس هم
 می خواند. به هر زحمتی که شد، دیپلم گرفت؛ اما دیگر نتوانست ادامه بدهد.
 نه اینکه نخواهد، بهش اجازه ندادند. گفتند شوهر گیرت نمی آید. قبیله شان
 همه چشم به او دوخته بودند که سرکار می رفت و سعی می کرد، علمی
 آموزش ببیند و هنوز به ازدواج تن نداده بود. یک بار مریم را اتفاقی دیدم.
 یک روز تابستانی بسیار گرم بود. لپه هایش از گرما گل انداخته بود. خندید و
 آمد و جلو و احوال پرسیدیم. دستم را گرفت و گفت با من بیایا! می روم
 پیش مادرم. تابه حال مادرش را ندیده بودم. فکر کردم می رویم خانه شان؛ اما
 توی کوچه پس کوچه های خاکی پیچیدیم و از دالانی وارد شدیم. حیاط
 متروک بود و خانه خرابه ای و کنار حیاط یک اتاقک کوچک کاه گلی با یک
 پنجره ی خیلی کوچک بود. از گرما هلاک شده بودیم. همین که جلوی در
 اتاقک رسیدیم. دیدم زنی نحیف و بسیار لاغر روی زمین خالی کنار یک
 تنور نانواپی نشسته بود و نان می پخت. ده دقیقه کنار تنور می ماندی، از
 گرما آب می شدی. تعداد زیادی نان روی هم تلمبار شده بود. مریم چند تا
 نان برداشت و مرا به مادرش معرفی کرد. مادرش هم مثل مریم لبخند



ادعای دروغ!

شیرا دانشگر



اسلامی نیز برای اجرای این قوانین تمام سیستم قضایی، اجرایی، مقننه و کل نیروهای سرکوبشان را به خدمت گرفته است تا اسلامشان بر جا بماند و جاری؛ بنابراین جناب آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه و یکی از ستون‌های اصلی حکومت آپارتاید جنسی در ایران حق دارد که چنین بگوید و تضييع حقوق زنان را ادعای دروغ و تکراری بخواند. چراکه این حکومت اسلامی است.

اما جالبی سخنان جناب آملی لاریجانی اینجاست که در حکومتی که تمام قوانینش در خدمت خانه‌نشین کردن بیشتر زنان و دور کردنشان از صحنه جامعه است، حکومتی که در آن زن عامل فساد جامعه قلمداد می‌شود و باحجاب اجباری می‌خواهد «فساد» را از جامعه دور کند، حکومتی که کار زن را بچه‌داری می‌داند و با فتوای ولی فقیه شان بر دو برابر شدن جمعیت کشور، برای جلوگیری زنان از بارداری، حکم زندان و جریمه تعیین می‌کند، ایشان دارد از حضور زنان در «مناصب و مقامات و امور مختلف» سخن می‌گوید.

البته جناب لاریجانی را باید فهمید. لاریجانی به لحاظی درست می‌گوید. چراکه زیر فشار یک جنبش قدرتمند رهایی زن و مبارزه هرروزه زنان در طول حیات جمهوری اسلامی برای دخالت و حضور هر چه بیشتر در عرصه جامعه، زیر فشار عقب رفتن هرروزه حجاب‌ها و نفی عملی حجاب‌ها این پرچم رژیم اسلامی، این حکومت ناگزیر شده است که لشکر بزرگ تری از

آملی لاریجانی رئیس قوه قضایی حکومت اسلامی، طی سخنانی در جلسه مسئولان عالی قضایی در سوم دی‌ماه تضييع حقوق زنان در ایران را «ادعای دروغ و تکراری» خواند و گفت: زنان در کشور ما حسب قانون می‌توانند در مناصب و مقامات و امور مختلف حضور یابند اما صرف حضور نداشتن آنان در برخی مناصب دلیل تضييع حقوقشان نیست؛ کما اینکه به‌عنوان مثال تاکنون در آمریکا نیز هیچ زنی رئیس‌جمهور نشده است پس ما نیز باید بگوییم فعالیت زنان در آمریکا محدود و حقوق آنان تضييع شده است؟

نفس اینکه جناب آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه ناگزیر می‌شود پاسخگوی مسئله نقض حقوق زنان در ایران شود، حکایت از فشار اجتماعی مردم و انعکاس این جنبش اعتراضی در سطح جهان است که بر کرده این حکومت ضد زن و آپارتاید جنسی وارد می‌شود.

طبعاً از نظر ایشان هیچ حقی از زن در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نقض نمی‌شود، چراکه رژیم اسلامی، رژیم منبعث از قرآن است. قوانینش برگرفته از اسلام؛ بنابراین حق همین است که جاری است و الگوشان برای زن نیز فاطمه زهرا. به عبارت روشن‌تر حجاب اجباری، جداسازی جنسیتی، تعدد زوجات، صیغه، مشروعیت ازدواج با فرزندخوانده، نداشتن حق طلاق، حق ارث، حق حضانت و هزاران حق و حقوق دیگر، ازدواج کودکان، سنگسار و ... همه و همه فرامین الهی است و لازم‌الاجرا. جمهوری

حجاب اجباری روی کار آمده و لشکر اسلامش را به جان مردم انداخته است، رئیس قوه قضاییه‌اش دارد از «حقوق زنان» در ایران سخن می‌گوید؛ و نگران است که چرا در آمریکا زنان رئیس‌جمهور نیستند. بلاهت هم حدی دارد.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی بخش مهمی از سیستم حاکم برای جاری کردن ستم بر زنان است. جای کسانی چون آملی لاریجانی رئیس این ماشین سرکوب و جنایت حکومت اسلامی پشت میز محاکمه است؛ و اولین شرط برای بهبودی وضع زنان و کل جامعه در ایران سرنگونی حکومت اسلامی و دور کردن دست مذهب از زندگی مردم است. حکومت اسلامی با همه قوانین ارتجاعی اسلامی و کل دستگاه قضایی و ماشین سرکوب و جنایتش باید به زباله‌دان تاریخ سپرده شود.*

فاطمه کوماندوها و خواهر زینب‌ها را که خود گشتاپوهای حکومت فاشیست اسلامی هستند، در قوای سه‌گانه و کمیسیون‌های مختلف مجلس و نیروهای امر به معروفش داشته باشد تا بتواند با چنین جنبشی که هرروز قدرتمند جلو می‌آید مقابله کند و کل جامعه را عقب زند. حضور زنانی در این لشکر که جزئی از سیستم حاکم برای سرکوب و چپاول بیشتر کل جامعه است، تمام افتخار جناب لاریجانی و جمهوری اسلامی است. به عبارتی فشار جنبش رهایی‌زدن در جامعه توانسته است دیوار آپارتاید جنسی در خود حکومت را نیز تا حدی شکاف بیندازد؛ و این خود یکی از موضوعات نزاع‌های درون حکومت نیز هست.

بدین ترتیب حکومتی که ستم بر زن، بخش قطوری از پرونده جنایاتش است. رژیم می‌کند برای جاری کردن فرمان حجابش بر روی زنان اسید می‌پاشد و جنایت می‌کند. رژیم می‌کند از همان آغاز روی کار آمدن با پرچم

ما زیر سایه درخت ستار بهشتی‌ها نشسته‌ایم!

غذای خود در زندان سخن گفته است. او می‌گوید: «می‌گوییم؛ تا آنچه بر سر من آمد بر سر هیچ زندانی دیگری نیاید.»

آتنا فرقدانی چندی پیش به دلیل دیدارهایش با خانواده‌های زندانیان سیاسی و خانواده‌های جان‌باختگان خیزش انقلابی سال ۸۸ و همچنین درج مطالب انتقادی در صفحه فیس‌بوکی‌اش بازداشت شد. او در زندان دست به اعتصاب غذا زد. وی بعد از وخامت وضع جسمی‌اش به دستور قاضی صلواتی با قرار وثیقه بسیار سنگین تا برگزاری دادگاه از زندان آزاد شد.*

آتنا فرقدانی، نقاش و فعال حقوق کودک اخیراً پس از آزادی از بند ۲ الف زندان اوین با انتشار یک ویدئو از آنچه که در زندان بر او گذشت پرده برداشته است. او من جمله به نمونه‌هایی از توهین و بی‌حرمتی و آزار جسمی به خاطر داشتن دو لیوان کاغذی اشاره می‌کند. او از دوربین‌های نصب‌شده در حمام و دستشویی و کابوس هتک حرمتش سخن می‌گوید. آتنا فرقدانی در یک مصاحبه دیگر از بازجویی‌های طاقت‌فرسای ۹ ساعت در زندان و همچنین بودن در سلول انفرادی و نداشتن ملاقات با خانواده و اعتصاب



خبر و نظر



حق رانندگی



دو تن از مدافعان رانندگی زنان در عربستان سعودی به اتهام زیر پا گذاشتن این ممنوعیت به دادگاه ویژه تروریسم فراخوانده شدند.

این دو زن از اول دسامبر در بازداشت به سر می‌برند. عربستان سعودی تنها کشوری در جهان است که زنان در خاک آن اجازه‌ی رانندگی ندارند. خانم لجین ال‌هذلول درحالی‌که رانندگی می‌کرد قصد داشت تا از امارات متحده عربی وارد عربستان سعودی شود و زن دوم هم خبرنگاری است که در امارات متحده عربی اقامت داشت و به حمایت از او به مرز رفته بود.

زنان در خفقان مطلق هم برای به دست آوردن حقوق عادی و برابر زندگی خود با مردان هر تابویی را می‌شکنند. شاه عربستان، کسی است که فرزندان مؤنث خود را به اسارت کشیده است و در شرایط سختی از آن‌ها نگهداری می‌کند. در کشوری که زنان تحت محدودیت‌های شدید زندگی می‌کنند، این دو زن از جمله زنانی هستند که علیه این دیکتاتوری و خفقان آشکارا و شجاعانه دست به اعتراض زدند.*

منافات زن با اسلام

اسلام رحمانی قرار بود چندان مورد توجه نباشد و به قول حقوق بشری‌های داخلی منافاتی با حقوق زنان هم نداشته باشد؛ اما داعش نشان داد که نه فقط زن در اسلام چیزی جز کالای مصرفی مردان نیست، بلکه از نظر حقوقی خودزن است که با اسلام منافات دارد.



زنان شهر موصل که تحت حکومت اسلامی (داعش) است، حق ندارند بدون پوشاندن کامل چهره خود، در اماکن عمومی ظاهر شوند. در غیر این صورت به مجازات‌های سنگین دچار خواهند شد

مقامات دولت اسلامی همچنین مقررات مشخص در رابطه با پوشش اسلامی منتشر کردند تا به‌زعم خود شیوه زندگی بی‌بند و بارانه ناشی از پوشش تحریک‌آمیز زنان، مبارزه کنند.

دولت اسلامی اعلام کرده که منظور از این مقررات محدود کردن آزادی زنان نیست، بلکه می‌خواهند به این ترتیب زنان را از «نگاه‌ها، تحقیرها و رفتار زمخت» در امان نگه دارد.

اینکه زن در اسلام عامل فساد و تحریک مرد است و اینکه در اسلام صرفاً موجودی برای تولیدمثل و به قول قرآن (کشتزار) مردان است، مورد توجه نیست. این قوانین اسلامی است که در دنیای قرن بیست و یکم و با طرح

تن های حرزه را نگار می کنند
وکسی نمی داند که مغزی های حرزه
غافل از آن که شهر پر از فاحشه های مغزی است
ویرانگر ترند تا تن های حرزه.



گلشیفته فراهانی



فریخ زاد



قمر السلوک روزگار



طاهره قره العین

زن آزاد

نشریه هفتنگر - جنبش برابر رهااثر زن

سر دبیر: لیلا یوسفی
همکاران سر دبیر: سهند مطلق
فیلا رابعی

zaneazad10@gmail.com

sahand.motlagh@gmail.com

milad.rabei@gmail.com

<https://www.facebook.com/fitnahmovement>

www.fitnah.org

www.fitnahmovement.blogspot.co.uk